نقص فنی دلیل نصف تصادفات است

جانشین رئیس پلیس راهور فراجا با تأکید بر نقش ۵۰ درصدی نقص فنی خودروهای داخلی در تصادفات کشور گفت: نمی‌توانیم به بهانه حمایت از تولید داخل، نسبت به جان انسان‌ها بی‌تفاوت باشیم.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، سردار سیدتیمور حسینی گفت: اهمیت حفظ جان انسان‌ها، نسبت به هر موضوع دیگری در جهان، مقدم‌تر و قابل‌توجه‌تر است، آیا با وجود همه موضوعات مختلفی که در دنیای پیرامون ما وجود دارد، می‌توانیم موضوعی با ارزش‌تر از جان انسان‌ها پیدا کنیم، آیا در مقایسه بین حمایت از تولید داخلی و حفظ جان انسان‌ها، می‌توان اولویت و اهمیت را به حمایت از تولید داخلی داد؟

وی با اشاره به اینکه هر کاری که در جهان در دست انجام است، برای حفظ جان انسان‌ها و ارتقای کیفیت زندگی بشریت است و ما نمی‌توانیم به بهانه حمایت از تولید داخلی، نسبت به جان آدم‌ها بی‌تفاوت باشیم، اظهار کرد: سخنگوی خودروسازان بر اساس کدام تفکر و منطق و با چه دیدگاهی، بدون هیچ ملاحظه‌ای، صحبت‌هایی می‌کند که از هیچ پشتوانه تخصصی و کارشناسی بهره‌مند نیست.

سردار حسینی گفت: اگر پلیس ایران، از کیفیت تولیدات خودروسازان انتقاد نکند، پلیس از کره مریخ بیاید و بگوید کیفیت خودروهای شما ضعیف است و به وسیله آنها، جان انسان‌ها را به خطر انداخته‌اید؟!

جانشین رئیس پلیس راهور فراجا یادآور شد: بخش قابل‌ملاحظه‌ای از ترافیک این روزهای تهران و دیگر کلانشهرهای کشور نیز به واسطه نابسامانی و مشکلات مبتلابه این حوزه است، اگر لایحه‌ای که در مورد اسقاط خودروهای فرسوده از سوی دولت به مجلس ارائه شده به تصویب برسد، می‌توانیم آن را آخرین میخی بدانیم که بر تابوت اسقاط خودروها زده می‌شود.

سردار حسینی با تأکید بر اینکه اگر اسقاط خودروها تعطیل شود، وضعیت نگران‌کننده‌تری را در صنعت خودرو، ایمنی خودروها و جان انسان‌ها شاهد خواهیم بود، افزود: تصویب لایحه پلاک شدن یک خودرو به ازای اسقاط هر چهار خودروی فرسوده در مجلس، حرکتی رو به جلو و اقدامی امیدوارکننده است که اگر پلیس ورود نکرده بود و پافشاری و پیگیری‌های لازم را نداشت، امروز چنین نتیجه‌ای را شاهد نبودیم.

وی در خصوص سهم تقصیر خودروهای ایرانی نسبت به خودروهای خارجی در میزان تصادفات با اعلام اینکه در وقوع حوادث با علت‌های مستقیم، غیر مستقیم و تسهیل‌گر مواجه هستیم، عنوان کرد: اساساً یکی از کارکردهای مهم در خودروهای استاندارد و ایمن اجتناب و جلوگیری از قرار گرفتن راننده در شرایط عدم فرار است که می‌تواند هنگام مواجه شدن راننده با خطر جلوی وقوع حادثه را بگیرد.

سردار حسینی با تأکید بر اینکه همانطور که در گذشته نیز به عنوان یک کارشناس بارها اعلام کرده‌ام، اگر تمامی خودروهای داخلی را با خودروهای روز و استاندارد دنیا جابه‌جا کنیم، شاهد کاهش بیش از ۶۰ درصدی میزان تصادفات و تعداد جان‌باختگان و مصدومان خواهیم بود، گفت: اگر بخواهیم به این موضوع خوش‌بینانه نگاه کنیم، حداقل ۵۰ درصد از تصادفات کشور، مربوط به نقص فنی خودروهای داخلی است.

وی با اعلام اینکه خودروها دو نقش مهم را ایفا می‌کنند، افزود: یکی نقش «پیشا وقوعی» است که می‌تواند از بروز تصادفات جلوگیری کند و دیگری نقش «پسا وقوعی» است که در صورت بروز تصادف با امکانات و تجهیزات خودرو از جان راننده و سرنشینان محافظت می‌کند، در صورتی که خودروهای داخلی از هیچ‌یک از این دو قابلیت برخوردار نیستند.

انگشتری برلیان
راز سرقت عروس کینه‌جو را برملا کرد

■ غلامرضا مسکنی

عروس کینه‌جو که برای سرقت از خانه مادرشوهرش سارق حرفه‌ای اجیر کرده‌بود، وقتی در میهمانی خانوادگی یکی از انگشتری‌های سرقتی را به دست کرد، راز سرقتش برملا شد.

چندی قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید سارق مسلحی به خانه زن و شوهر میانسالی در یکی از خیابان‌های شمالی شهر دستبرد زده و پس از کتک‌کاری و سرقت چند میلیارد تومان طلا و جواهر فرار کرده‌است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس راهی محل شدند و دریافتند ساعتی قبل عروس صاحب خانه که مهمان پدر شوهر و مادر شوهرش بوده از بیرون غذا سفارش می‌دهد تا اینکه دقایقی قبل مرد مسلح با کلت کمری به بهانه آوردن غذا وارد خانه آنها می‌شود و پس از بستن دست و پای زن و شوهر و عروس خانه و ضرب و جرح آنها تمامی طلاها و جواهرات آنها را سرقت می‌کند. همچنین مشخص شد در جریان این حادثه زن و شوهر میانسال بی‌هوش و راهی بیمارستان می‌شوند.

■ پرتگاه مرگ

زن جوان در توضیح حادثه به مأموران گفت: «امشب مهمان پدر و مادر شوهرم بودم. قرار بود من شام درست کنم، اما پدر شوهرم گفت از بیرون غذا سفارش دهم. هر سه نفر موافقت کردیم پیتزا بخوریم و من هم سفارش پیتزا دادم. دقایقی قبل زنگ خانه به صدا درآمد و من هم به خیال اینکه پیک موتوری سفارش شام ما را آورده‌است، در را باز کردم، اما ناگهان مرد مسلح که صورتش را پوشانده بود، با کلت کمری وارد خانه شد. او با تهدید اسلحه دست و پای ما را با طناب بست و هر کدام از ما را داخل اتاقی حبس کرد. من صدای التماس‌های پدر و مادر شوهرم را می‌شنیدم و متوجه شدم سارق آنها را کتک می‌زند. وقتی فهمیدم او از خانه بیرون رفته‌است به سختی دست و پایم باز کردم و به کمک مادر شوهر و پدر شوهرم رفتم و دیدم آنها خونین و بی‌هوش روی زمین افتاده‌اند و من هم بلافاصله از اورژانس و پلیس درخواست کمک و آنها را برای درمان به بیمارستان منتقل کردم.»

مأموران پلیس در ادامه پس از بهبودی زن و شوهر میانسال به سراغ آنها رفتند و از آنها تحقیق کردند. یکی از شاکیان گفت: «سارق مسلح ابتدا دست و پای ما را با طناب بست و بعد هم به شدت ما را کتک زد و کلید و رمز گاوصندوق را از ما گرفت و تمامی طلاها و جواهرات ما را که ۴ میلیارد تومان ارزش داشت، سرقت کرد. او من و همسرم را به خاطر سرقت تا پرتگاه مرگ کشاند، اما خدا به ما کمک کرد و در بیمارستان از مرگ نجات پیدا کردیم.»

■ انگشتر برلیان

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی مصطفی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد سارق مسلح پس از سرقت هیچ ردی از خود به جا نگذاشته است و پس از سرقت هم با پای پیاده از محل دور شده‌است.

در حالی که سه ماه از حادثه گذشته بود و مأموران پلیس در شناسایی سارق ۴ میلیارد تومانی به بن‌بست رسیده بودند، شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و گفت عروسش در سرقت مسلحانه از خانه‌اش دست داشته است. وی گفت: «یک روز قبل یکی از بستگانمان میهمانی برگزار کرده‌بود، من و عروسم هم در آن میهمانی حضور داشتیم. ساعتی بعد یکی از بستگانم به سراغم آمد و گفت انگشتر برلیان قیمتی‌ام در دست عروسم است. خیلی تعجب کردم چون سارق مسلح آن انگشتر را هم سرقت کرده‌بود. باورم نمی‌شد و عینکم را به چشمم زدم و به عروسم نزدیک شدم و وقتی خوب دقت کردم دیدم انگشتر برلیانم در دست او است. من مطمئن هستم او با سارق مسلح همدست است، چون شب حادثه هم عروسم میهمان خانه بود و در را روی سارق باز کرد.»

■ بازداشت عروس

به این ترتیب با به دست آمدن این اطلاعات مأموران به دستور بازپرس پرونده، عروس خانواده را به عنوان متهم بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها ابتدا منکر جرم خود شد و ادعا کرد انگشتر گرانقیمت را چند سال قبل مادرشوهرش به او هدیه داده‌است. متهم در حالی قصد داشت مأموران پلیس را فریب دهد، در نهایت به اجیر کردن سارق مسلح اعتراف کرد.

وی در ادعایی گفت: «من و شوهرم پیمان زندگی خوبی داشتیم تا اینکه از چند ماه قبل با هم اختلاف پیدا کردیم. او همیشه به کارهای من ایراد می‌گرفت و حتی گاهی هم مرا کتک می‌زد. من همیشه فکر می‌کردم مادر شوهر و پدر شوهرم در زندگی ما دخالت می‌کنند و باعث اختلاف ما می‌شوند. چون هر زمانی شوهرم به خانه آنها می‌رفت و بعد به خانه بر می‌گشت، رفتارش بد و با من درگیر می‌شد. از طرفی هم یکی از دوستانم می‌گفت مادرشوهرم ما را طلسم کرده است و قصد دارد زندگی ما را خراب کند. اختلافات ما آنقدر شدید شده‌بود که چند باری به دادگاه رفتیم و از هم شکایت کردیم.»

■ شکستن طلسم

متهم ادامه داد: «درگیری‌های هر روزه ما باعث شده‌بود از مادر شوهر و پدر شوهرم کینه به دل بگیرم و از طرفی هم می‌خواستم طلسم آنها را بشکنم و به زندگی عادی‌ام برگردم. به همین‌خاطر تصمیم گرفتم از آنها انتقام بگیرم و فردی را اجیر کنم تا پدرشوهر و مادر شوهرم را گوشمالی دهد و به این شیوه طلسمم را بشکنند. چند روز قبل از حادثه با مرد سارقی به نام فرزاد به صورت اتفاقی در رستورانی آشنا شدم و موضوع را برای او توضیح دادم. فرزاد سابقه سرقت داشت و من مطمئن بودم او نقشه را به خوبی اجرا می‌کند. شب حادثه شوهرم به مأموریت رفته‌بود و من مهمان پدر شوهر و مادر شوهرم شدم. طبق نقشه قرار بود فرزاد به بهانه آوردن غذا وارد خانه شود و پس از سرقت، آنها را کمی کتک بزند، اما او آنقدر پدر شوهر و مادر شوهرم را کتک زد که آنها به پرتگاه مرگ رفتند و اگر من کمی دیرتر با اورژانس تماس گرفته‌بودم، الان به اتهام قتل دستگیر شده‌بودم. ما نقشه‌مان به خوبی اجرا شد و از آن سرقت من فقط همین انگشتر برلیان را برداشتم و همین انگشتر هم راز سرقت را بر ملا کرد. یک روز قبل از حادثه من این انگشتر را در مهمانی دوستم پوشیدم و روز بعد هم وقتی به مهمانی خانوادگی‌مان رفتم دوباره به خاطر حواس‌پرتی همان انگشتر را در دست کردم که زیرکی یکی از مهمان‌ها مرا به دام انداخت.»

■ اجیر شدم

با اعتراف زن جوان، مأموران فرزاد را بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کرد و گفت: «من سارق سابقه‌داری هستم و چندباری به اتهام سرقت منزل به زندان افتاده‌ام. چند ماه قبل با زن جوان آشنا شدم و او از من خواست از خانه پدر شوهر و مادر شوهرش سرقت کنم. او می‌خواست از آنها انتقام بگیرد و من هم وقتی فهمیدم این سرقت بدون دردسر است و پول زیادی گیرم می‌آید، قبول کردم. شب حادثه طبق نقشه وارد خانه شدم و دست و پای همه را بستم، اما پدر شوهر و مادر شوهر زن جوان رمز گاوصندوق را به من نمی‌گفتند که مجبور شدم آنها را به شدت کتک بزنم. پس از سرقت اموال را به دو مالخر فروختم.»

مأموران پلیس در ادامه دو مالخر را هم بازداشت کردند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

بازداشت عامل شهادت مسئول اطلاعات سپاه صحنه

سرهنگ نادر بیرامی، مسئول اطلاعات سپاه شهرستان صحنه که میانجی یک دعوا شده بود، با ضربات چاقو به شهادت رسید.

به گزارش «جوان»، ساعت ۱۵ روز جمعه، ۲۷ آبان مراسم سالگرد ترحیم یکی از بزرگان یارسانی در شهرستان صحنه برگزار بود که ادامه مراسم با تنش همراه شد.

همزمان با بالا گرفتن تنش بود که سرهنگ نادر بیرامی، برای میانجیگری و پایان دادن به درگیری در محل حاضر شد. بعد از آن عده‌ای از شرکت‌کنندگان در نزاع با سرهنگ بیرامی درگیر شدند و یکی از آنها وی را با چاقو هدف قرار داد که منجر به شهادت او شد.

شهرام کرمی، دادستان کرمانشاه گفت: همزمان با شهادت مدافع امنیت، مأموران پلیس ۳۰ نفر از عاملان درگیری را بازداشت کردند که عامل قتل هم در میان بازداشت‌شدگان است.

عاملان شهادت طلبه بسیجی تحت تعقیب پلیس

عاملان شهادت طلبه بسیجی که در شهرستان شیراز هدف گلوله آشوبگران قرار گرفت، تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

وحید شعبانی، مدیر کل امنیتی و انتظامی استانداری فارس گفت: شامگاه چهارشنبه ۲۵ آبان‌ماه طلبه بسیجی به نام امید مؤیدی، در حال تردد از خیابان معالی‌آباد بود که توسط افراد ناشناس با سلاح گرم هدف اصابت گلوله قرار گرفت و بعد از انتقال به بیمارستان به علت شدت جراحات وارده، به شهادت رسید.

در جریان این تیراندازی‌ها تعدادی از نیروهای حفاظت امنیت و عابران مجروح شدند و به خودروهای عبوری هم خسارت وارد شد. تحقیقات پلیس برای شناسایی و بازداشت عاملان حادثه در جریان است.

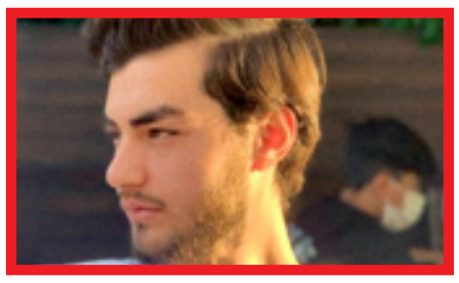

پرونده قتل حمیدرضا روحی روی میز بازپرس

تحقیقات تیم جنایی تهران درباره قتل پسری به نام حمیدرضا روحی که در جریان آشوب‌ها با شلیک گلوله اغتشاشگران به کام مرگ رفته جریان دارد.

به گزارش «جوان»، شامگاه پنج‌شنبه ۲۶ آبان قاضی محمد حسین زارعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از قتل پسر جوانی در منطقه زیباشهر با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه با جسد پسر ۱۹ ساله‌ای به نام حمیدرضا روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله به قتل رسیده‌بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول ساعتی قبل در حالی که آتش اغتشاش‌ها در محل بالا گرفته‌بود، در مسیر رفتن به خانه یکی از دوستانش بوده که هدف گلوله قرار می‌گیرد.

در حالی که آشوب‌طلبان در حال انتقال پیکر وی بودند، مأموران پلیس وارد عمل شدند و پیکر غرق در خون او برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود، اما وی بر اثر شدت جراحات در بیمارستان فوت می‌کند.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، کارآگاهان پلیس آگاهی، تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عامل یا عاملان قتل آغاز کرده‌اند.

مرگ غم‌انگیز ۲ کودک در تصادف با قطار

تلاش مادر جوان برای نجات دو کودکش از تصادف با قطار ثمری نداشت و هر دو جان باختند. زن جوان هم که دچار جراحت شده‌بود، در بیمارستان بستری است.

سرهنگ محمدجلیلیان، فرمانده انتظامی شهرستان مرند گفت: «روز گذشته مأموران پلیس از تصادف قطار با رهگذران در محدوده باغ‌رضوان باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد دو برادر چهار و ۱۲ ساله که مشغول بازی کنار خط آهن بودند، با قطار تصادف می‌کنند. هر چند مادر این دو کودک برای نجات آنها وارد عمل می‌شود، اما هر سه دچار جراحت و به بیمارستان منتقل می‌شوند. تلاش پزشکان برای نجات آنها به جریان می‌افتد، اما دو کودک به علت شدت جراحت فوت می‌شوند.

برادرزن خطاکار در آستانه آزادی

■ محبوبه قربانی

مرد جوانی که به اتهام قتل شوهرخواهرش به مرگ محکوم شده‌بود، با جلب رضایت اولیای دم به زودی آزاد خواهد شد. دو همدست او هم به حبس محکوم شده‌بودند.

مرداد ماه سال ۹۲، مردی با مأموران پلیس شهرستان شهریار تماس گرفت و گفت از خانه همسایه‌شان بوی تعفن می‌آید. بعد از این تماس، تیمی از کارآگاهان اداره پلیس به آدرس آن آپارتمان در شهرک اندیشه اعزام شدند. مردی که با پلیس تماس گرفته‌بود و در محل حضور داشت در توضیح گفت: «در آپارتمان ما زوجی زندگی می‌کنند که مدت‌ها قبل با هم درگیری داشتند. از آنجایی که صدای درگیری آنها بالا بود، ما متوجه می‌شدیم، اما دخالت نمی‌کردیم. حالا چند روزی از آنها خبری نیست و از خانه‌شان بوی تعفن می‌آید که خیلی آزاردهنده است. این موضوع ما را نگران کرده‌است، به همین دلیل از پلیس درخواست کمک داریم.»

بعد از این توضیحات، مأموران به واحد مورد نظر رفتند و بعد از باز کردن در خانه با جسد مرد صاحبخانه به نام سیامک روبه‌رو شدند که با چاقو کشته شده‌بود. جسد که به خاطر گذر زمان بوی تعفن گرفته‌بود، به دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی عامل یا عاملان قتل آغاز کردند.

■ دستگیری همسر مقتول و همدستانش

همسر سیامک به نام ملیحه که همزمان با کشته‌شدن شوهرش ناپدید شده‌بود، تحت تعقیب مأموران قرار گرفت و چند روز بعد شناسایی و بازداشت شد. او تحت بازجویی قرار گرفت و در حالی که با تناقض‌گویی‌هایش سعی داشت پلیس را گمراه کند، اما در بازجویی‌های فنی بالاخره لب به اعتراف گشود و گفت با همدستی برادر و دوست برادرش، شوهرش را به قتل رسانده‌است. او در شرح ماجرا گفت: «من و شوهرم با هم اختلاف داشتیم. چند روز قبل از حادثه دوباره با او درگیر شدم که در آن درگیری او به شدت مرا کتک زد. این‌بار از خانه قهر کردم و با ناراحتی به خانه برادرم در یکی از شهرهای غربی کشور رفتم. در حالی که به شدت گریه می‌کردم با برادرم به نام کوروش صحبت کردم و گفتم دیگر نمی‌توانم به این زندگی ادامه بدهم و رفتارهای شوهرم را تحمل کنم. برادرم وقتی حرف‌های مرا شنید قول داد شوهرم را گوشمالی بدهد.»

آن زن در ادامه گفت: «چند روز بعد برادرم گفت می‌خواهد همراه دوستش به نام شهرام به تهران برود و شوهرم را ادب کند. قرار شد همراه آنها باشم، به همین خاطر سه نفری راهی تهران شدیم. مقابل خانه‌مان رسیدیم، اما هر چه در زدیم، شوهرم در را باز نکرد. مجبور شدیم زنگ همسایه را بزنیم و وارد آپارتمان شویم. زنگ واحدمان را زدیم که شوهرم در را باز کرد. او وقتی ما را دید به من و برادرم فحاشی کرد. همان موقع برادرم دستمالی را دور گردن شوهرم انداخت و با کاردی که روی میز بود، ضربه‌ای به گردنش زد. شهرام هم روی شکم شوهرم نشست و با چاقو چند ضربه به پهلو و پای او زد. سیامک بی‌جان روی زمین افتاده‌بود که از ترس روی جسد پتویی انداختیم و از خانه خارج شدیم.» بعد از ثبت این اظهارات، کوروش و شهرام نیز بازداشت شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند.

در حالی که پزشکی قانونی علت فوت را انسداد حیاتی گردن و بریدن عناصر حیاتی گردن اعلام کرده‌بود، اما در گزارشی دیگر گفته بود که به خاطر فساد شدید جسد نمی‌توان به طور قطعی علت فوت را اعلام کرد، کوروش و شهرام به اتهام مشارکت در قتل و ملیحه به اتهام معاونت در قتل راهی زندان شدند و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

■ جلسه محاکمه و حکم قصاص و حبس

متهمان در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه قرار گرفتند. ابتدای جلسه اولیای دم که مادر مقتول بود، گفت حاضر است تفاضل دیه را پرداخت کند و درخواست قصاص دارد. در ادامه کوروش به جایگاه رفت و با قبول اتهامش گفت: «ضربات کاری را من به مقتول زدم، چون او خواهرم را خیلی اذیت می‌کرد و به شدت کتک می‌زد. دیگر تحمل دیدن گریه‌های او را نداشتم.» دیگر متهم نیز به جایگاه رفت و با انکار جرمش گفت: «قبول دارم به مقتول ضربه زدم، اما ضربه‌هایم کاری نبود. من به پهلو و پاهای او ضربه زدم.»

همسر مقتول نیز در جایگاه قرار گرفت و بارداتهامش گفت: «وقتی برادرم گفت می‌خواهد به تهران برود تا شوهرم را گوشمالی بدهد، فکر نمی‌کردم آنها نقشه قتل دارند. من از انگیزه آنها اطلاعی نداشتم و فکر کردم می‌خواهند با شوهرم صحبت کنند تا مشکل ما را حل کنند.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد و کوروش را به قصاص محکوم کرد. شهرام نیز از اتهام مشارکت در قتل تبرئه و به خاطر معاونت در قتل به ۱۵ سال حبس و دو سال اقامت اجباری در شهرستان نیک شهر محکوم شد. همسر مقتول نیز به اتهام معاونت در قتل به پنج سال حبس محکوم شد. این حکم با اعتراض متهمان به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما از سوی قضات یکی از شعبات آن مهر تأیید خورد.

■ رهایی از قصاص با پرداخت دیه

۹ سال از حادثه گذشته بود و شهرام در یک قدمی چوبه دار قرار داشت که توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند. به این ترتیب او این‌بار از جنبه عمومی جرم محاکمه شد و در آخرین دفاعش گفت: «زمان حادثه، جوان بودم و نمی‌دانستم چطور از حق خواهرم دفاع کنم. با یک اشتباه زندگی و جوانی‌ام نابود شد. حالا پشیمانم و از قضات می‌خواهم در مجازاتم تخفیف قائل شوند.

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد و با توجه به احتساب روزهای بازداشت متهم، وی را به ۹ سال حبس محکوم کرد. به این ترتیب متهم به زودی آزاد خواهد شد.

مفقودی

برگ کمپانی، برگ سبز و کارت شناسایی خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۳ به رنگ خاکستری و شماره پلاک ۹۶۱س ۳ ایران ۳۰ و شماره موتور RM۱۰۰۴۵۲۱۰۱۶ و شماره شاسی ۱۲۴K۰۵۲۹۶۲۶ متعلق به نصرالله سیفی پرگو با کد ملی ۵۶۶۹۱۶۸۸۷۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. البرز

مفقودی

اینجانب سیامک نداف‌خوب مالک خودروی سواری پژو تیپ ۲۰۷I-MT مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید به شماره شاسی NAAR۰۳FE۱NJ۲۷۷۹۳۹ و شماره موتور ۱۷۸B۰۰۸۶۴۵۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. البرز

مفقودی

برگ سبز خودروی سواری پیکان وانت تیپ I۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید روغنی و شماره پلاک ایران ۳۰-۳۴۴ب۶۲ و شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۸۴۰۳۵ و شماره شاسی NAAA۳۶AA۴۹G۸۲۲۸۲۶ متعلق به محمدرضا جمال‌زاده با کد ملی ۴۹۰۰۹۳۰۰۶۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. الف ل

مفقودی

برگ سبز ماشین سواری سمند مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۴k۰۷۲۴۱۳۲ و شماره شاسی NAAc۹۱cExFF۰۳۷۱۶۶ و شماره پلاک ۷۱۹ب۳۷ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان